

مسئولیت ما و این همه خبر!

حماد شیبانی

این روزها همزمان با اعتراضات گسترده مردم، فیلمهای متعددی در رابطه با آتش زدن و تخریب مراکز مختلف حکومتی و بانکها، پمپ بنزینها، فروشگاهها و حتی خودروهای شخصی مردم عادی، در سطح وسیعی منتشر شده است.



تاکنون هیچ گروه یا شخصی از میان شرکت کنندگان در درگیریهای اخیر ایران مسئولیت این وقایع را برعهده نگرفته است. تنها در یک مورد آنهم به دلیل حضور دزدان نیروهای امنیتی در پوشش اورژانس و با استفاده از یک یا چند آمبولانس برای دستگیر کردن معترضین بویژه زخمیها از سوی مردم شناسائی شده و به آتش کشیده شده است.

برعکس در مواردی دیده و گزارش شده که گروههایی پرشمار از عناصر کاملاً مجهز به وسایل تخریب با صورتهای پوشیده و لباسهای متحدالشکل و رزمی با اتومبیل یا سوار بر موتورهای همشکل، ناگهان در یک محل ظاهر می شوند و بصورت کماندوئی "عملیات تخریبی" انجام می دهند و ناپدید می شوند. رژیم و باندهای رسمی و غیررسمی آن (بسیج و پاسداران) و سازمانهای امنیتی دولتی در ایجاد اقدامات تشنج آفرین حتی در ایجاد آشوبهای خیابانی و نفوذ در تظاهرات اعتراضی مردم و شورشهای برحق آنان، ید طولائی دارد. دستگاه سرکوب در جلوگیری از تعمیق جنبشهای مدنی و مطالباتی و صنفی جامعه و راندن موج ستمدیدگان بسوی اقدامات کور به منظور تسهیل سرکوب و توجیه سیاستهای قهرآمیز خود مهارت دارد. دستگیریهایی خشونتبار و اعدامهای گروهی (در چارچوب شوک درمانی و استفاده از تجربیات مشترک هم جناحهای حکومتی، درج مطالب فرمایشی و تحریفی در رسانه های زرد داخلی و خارجی مشاطه گر) از مهارتهای دیگر این حکومت است.

امروزه خیابانهای شهرهای ایران آبستن خیزشها و اعتراضهای جدید است. انبوه میلیونی شهروندان اعم از کارگران، زنان، جوانان، خیل عظیم بیکاران، بازنشستگان، کشاورزان، دانشجویان، معلمان و استادان، نویسندگان، هنرمندان و روزنامه نگاران، و سایر گروههای اجتماعی به شمول ملیتهای مختلف و باورمندان به مذاهب و اندیشه

های غیرحکومتی، از زندگی تحت سلطه این حاکمیت به تنگ آمده اند. مردم ایران همچنان در مقابل چرخه خشونت حکومتی مقاومت می کنند و شرایط سریعتر از گذشته به موقعیت انقلاب ناگزیر نزدیک می شود.

حکومت نیز غرق در فساد و ناکارایی، ناتوان از ادامۀ اقتدار جهنمی و دستخوش بحرانهای بنیادی، به بن بست رسیده است.

حکومت اسلامی یگانه خالق آشوب در کشور ما و نیز در منطقه است، این حکومت در پادگانها و پایگاههای نظامی و شبه نظامی، مزدوران وابسته به خود و نیروهای خارجی مثل حزب الله و حشد شعبی، فاطمیون پاکستان و حوثیهای یمن، شیعیان ولایی عربستان سعودی و بحرین، و حتی گروههای سنی شبه القاعده و طالبان، و افراط گرایان کشورهای آفریقایی را زیر نظر کارشناسان حرفه ای که در خدمت دارد، آموزش می دهد و از آنها برای نفوذ در "شورشها" و ایجاد بلوا و سرکوب خشن استفاده می کند.

شواهد قانع کننده و غیرقابل انکاری وجود دارد که می تواند در هر دادگاه مستقل رسمی و مردمی، بویژه در سطح بین المللی ارائه شود. گروههای مخالف رژیم ایران باید فکر برپائی کمپینهای محلی و بین المللی و تلاش برای تشکیل نهادهای مستقل کشف حقیقت باشند، به ویژه که رژیم از طریق مراجع قضایی و امنیتی خود به دروغ ادعا می کند که در جریان اعتراضات کسانی را به هنگام آتش زدن مراکز دولتی و در حین انجام "عملیات تخریبی" و ارتکاب "جرم" همراه با ابزارهای لازم، دستگیر کرده است و به زودی به مجازات سخت خواهد رساند. یک مقام قضایی هم ادعا کرده است که آنها به جرم خود "اعتراف کرده اند".

درست در چنین شرایطی است که دیدبانی هشیارانه و مسئولانه با رویدادهای مردمی و نقشه های حاکمیت ضرورت دارد. مبارزه با نشر اخبار جعلی (فیک نیوز) و خبرسازیهایی حتی در قالب ظاهری دفاع کلی از جنبش بویژه در رسانه های اپوزیسیون حکومت (با هر درجه از خلوص که باشد) وظیفه ای خطیر است.

توجه به نمونه ترکیب و جمله بندیهای متناقض یکی از نشریات اینترنتی اپوزیسیون به نام "به پیش"، ارگان "حزب چپ ایران (فدائیان خلق)" شاید درس آموز باشد.

به جملات زیر، در گزارشی با عنوان پر طمطراق "جنگ خیابانی، تجربه جدید مردم" توجه کنید: (<https://bepish.org/node/2807>):

000 00000 00000 00000 0 00000 00 00000 0000 00 00 0000 00000
 00000 000 0 000000 00000000 000 00 00 000 00000000 000 0000 000
 000 00000 0000000 0000 0000000 0000 000 .00000 0000000 00000 0000
 000 000000000 000000 00 00 000 00000 0 0000000 0000 0000 000
 00000 0000 0000 0000 0000000 0000 - 00000 0000 0000 00000 00000
 000 - 0000 00000 0000 00 0000 00000000 00000 0000 0 00000
 000 0000 00000 000 0000 00 0 000 0000 0000000 00 00 00 00000000
 00000 000 00 00000 00000000 000 . 000 00 0000 00 000 0000 0
 0000 000 00 000000 0000 0000000 0 000 00000 0000 0000 0000
 0000 00 00 0000 00 000000 0000000 - 000 000 0000 000 0 00000
 000 00 - 000 00000 0000 0000 000 000 0 0000 0000 00000000
 0000000 0 00000 000 000 00 00000 00 00000 00000 000 0000000
 000 0000 0000 00 . 00000 00000000 0000 0000 0000 00000 0 0000
 0000 0 0000000 0000 0000 0 000 0 0000 00000 00 0000 000 00
 0000 0000000 00000000 000 00 000 0000000 00 00000 0000 0000 00000
 00000 - 0000000 0000 0000000 00 0000 00 00 00 00000 0 000 000
 0000 000 00 000 000 00 0000 000000 00000 000 00 00000000 0000000
 0000 . 00000 00000000 00 00000 00 0000000 00 00000 0000 0000000
 0000 0000 0 000 00000 00 000 0000 000 000 000 0 00000 0000
 0000 00 0000000 00 0000 0 00000 00 000 00000 00 0000 0000 0000
 0000 00 000 00 00000 0 0000000 0 0000000 0 00000 00 .00000 00000
 0000 00 0 00000 000 000000 0000000 00 000 000 0000000 - 000 0000
 0000000 0000 00000000 00000 000 000 00 - 00000 00 00000 00 00
 00000 0000 00 000 00000 00 0000 00 0 00 00000 0000 000 0000
 000 00 0 00000000 000 00 000 000 00000 - 0000 0000 00 0000
 00 000000000 0000 0 000 00 0000 000 0000000 000 0 0000 0000000
 0000 00 00000 00 00000 000000000 00 00 00000 000 000 0000 0000
 00 00000 - 000 0000 0000000 0000000 00 00 000000 000 0000000
 000 00 00000 0000000 0000000 00 0000) 00000 00000 0000 0000 0000
 0000 00 0000000 0000 00 0000000 (... 0000 000 0000 0000 0000 0
 00000 00 00000 0000 000 000 00 0000 0000000 0000 000 00000
 000 0000 0000 0 000 00000 000 00 00 0000 000000 00 0000000
 00 0000 000 0000 000) 00 000 000 00000000 00 0000 0 0000 00000

(!0000000 0000

[illegible]

پایان نقل قول. انشای این چند پاراگراف و کلماتی که در تدوین این ادعای نامہ بکار برده شدہ است را لطفاً بہ دقت بخوانید. راستگی است. مخاطب نہائی این نوشتہ کی و کجاست؟!

خطر بسیار جدی است. رژیم در تدارک کشتار گستردۀ جدیدی بویژه در حق دستگیرشدگان است. عاملان و آمران سرکوب و کشتار مردم که از هیبت امواج کوبندۀ اعتراضات مردمی سرگیجه گرفته اند در نهایت دستپاچی از خیزش کنونی به عنوان "جنگ بزرگ جهانی" یاد می کنند و آنرا به خارج از کشور، طرفداران نظام پیشین یا مجاهدین و "فروغ جاویدان"2 نسبت داده و خشونت جهنمی خود را تحت عنوان "مرصاد 2" به رخ معترضان می کشند.

مردم و نیروهای آزادیخواه و نیز افکار عمومی بین المللی فراموش نکرده اند که در حکومت فعلی ایران، با دست زدن به کشتارها و اقدامات فاشیستی و سرکوبگرانه، از همان نخستین ماههای به قدرت رسیدنش چه آشوبهایی را در مناطق مختلف کشور که نوع دیگری از زندگی و حکومت را می خواستند برپا کرد. داستان توطئه ها علیه شوراهای مردمی در سنندج کردستان و گنبد ترکمن صحرا، وتبریز آذربایجان، محمر خوزستان و... فراموش نمی کنند. مردم نمونه هولناک پوشیده نگه داشته شد قتل عام زندانیان سیاسی در سال 67 را فراموش نکرده اند و این را هم که چگونه از طریق قطع کامل ملاقات زندانیان با خارج از زندان و قرار دادن مردم ایران در بیخبری از فرزندان خود، طی نزدیک به سه ماه هزاران تن از شریف ترین فرزندان سرزمین ما را به جوخه اعدام سپرد.

کیست که فراموش کند، در سال 88 چه بر سر مردم آمد. جرم میلیونها معترضی که در مسالمت جویانه ترین شکل ممکن، مطالبه آرای دزدیده

شد. خود در انتخابات کذائی آن سال را در خیابانها فریاد می زدند و سرکوب شدند، چه بود.

شواهدی بسیار از موارد تاریخی دست داشتن حکومت در ایجاد آشوب و نسبت دادن آن به مردم وجود دارد. اکنون این راز توسط برخی از ارگانهای دولتی و در جریان تصفیه حسابهای جناحی خود برملا شده است. (*) این رازها همچنین براساس اعترافات برخی از دست اندرکاران سابق که یا خود حکومت را ترک کرده اند و یا به دلایل مختلف از حاکمیت به بیرون پرتاب شده اند، روشن شده است، شهادتهایی که در دفاتر نهادهای مختلف حقوق بشری و دادگاههای رسیدگی به اعمال جمهوری اسلامی ثبت شده است.

اما اگر مثلاً فرض کنیم شخصی عصبانی یا کسی از بین مردم از این نوع اعمال خودجوش انگیزه می گیرد، فکر می کنم که سؤال از این طریق و توجیه اخلاقی برای فقدان "شواهد" عینی، و بخصوص وقتی که قاتلان مردم در مقام قوّه قضائیه دست اندر کار بازتولید مدارکی برای توجیه جنایات خود هستند، (هیجانی شدن) و دامن زدن به (فیک نیوز)، نه فقط به نفع جنبش نیست، بلکه سخت علیه آن است. مسئولیت اداره کنندگان یک نشریه اپوزیسیون وقتی گزارش وقایع را می خوانند و تحلیل ارائه می دهند و بر اساس این "گزارشات" و "شاهدعینی"ها و "شهروند خبرنگار"ها و "ارتباط ویژه"ها، رهنمود می دهند کجا رفته است.

درست است که ما تبعیدیان و مهاجران، به خاطر آنچه در خانه اتفاق می افتد حالتی نگران و عصبی داریم، اما، تجربه و دانشمان کجاست؟

من که این کلمات را می نویسم □□ می گویم بله، انبوه مردم ما، "کسانی که سفره های خالی خود را در خیابانهای کرج، مریوان، تهران، شیراز، آذربایجان، لرستان، کردستان و خوزستان به عنوان یک اقدام اعتراضی پهن می کنند، چندین دهه است که می دانند و هر روز با گوشت و پوست خود لمس می کنند که چگونه رژیم اقتدارگرای اسلامی نمایند □ منافع تعداد محدودی از باندهای غارتگر جامعه است. آنها شنیده اند و درک می کنند که بیش از هفتاد درصد از سپرده های بانکی متعلق به تنها یک درصد از جامعه است، گردش نقدینه و پول انحصاراً در اختیار بخش ناچیزی از افراد جامعه قرار دارد. شرکتهای مضاربه ای و رباخواری اسلامی، خانه خرابشان کرده و به ورطه "مال باختگی" پرتابشان کرده است. آنها می دانند که این همه معنای ساده ای دارد. وحشیگری کامل و خشونت سازمان یافت □ حکومت

امروز همه به این نتیجه رسیده اند که برای رهایی از این بردگی، باید این نظام ناپدید شود. البته مردم ستم دیده اما آگاه، وقتی مطالب حقوق خود می کنند و برای باز پس گرفتنش بپا می خیزند عزم آن دارند که رژیم را سرنگون کنند. چهل سال است در برابر سرکوب، هم التماس می کنند و هم مقاومت. اما نه التماسشان بجائی می رسد و نه مقاومتشان با دستهای خالی ثمری می دهد. پس حتی اگر مردم روزی - که بدلیل رفتار این رژیم - دیر نیست، خود را سازماندهی کنند و به دفاع مسلحانه برخیزند، بدون شک حق دارند که بخواهند دستگاه سرکوب را درهم بشکنند.

حکومت اسلامی ایران، هم در بازار کار و هم در بازارهای مالی و اینروزها بیش از پیش در خیابانهای زندان بزرگی بنام ایران، مردمان را بگونه ای وحشیانه اسیر تحریم خارجی از یکسو و از دیگرسو زیر سرنیزه و سلط نظامی که بنام دولت، قانون جنگل جاری کرده و بشکل انحصاری، قوه قهریه را قبضه کرده است قرار دارد. مردم این کشور غارت شده که زنجیر ارتجاع، استعمار و استبداد و استثمار، بر دست و پایش بسته شده است، حق رهایی دارند و تحقق این حق جز با برهم زدن این معادل ناعادلانه به دست نخواهد آمد.

بله، این یک جنگ طبقاتی است. انقلاب است

و "وای برملتی که انقلابی را شروع کند و آنرا به پایان نرساند".

(*)

مهدی محمودیان، روزنامه نگار در تویتر خود به نقل از یک شاهد عینی نوشت: "یک نفر باصورت پوشیده جسمی آتش را به داخل داروخانه ای واقع در شهر قدس می اندازد، مردم او را گرفته و داخل یک بنگاه املاک می برند. او یکی از اعضای ارشد یکی از نهادهای شبه نظامی محله بوده است. امروز او آزاد است و تقریباً همه کسانی که در آن بنگاه او رادیده و شناخته اند از دسترس خارج اند."

یک نفر باصورت پوشیده جسمی آتش را به داخل داروخانه‌ای واقع در شهر قدس می‌اندازد، مردم او را گرفته و داخل یک بنگاه املاک می‌برند. او یکی از اعضای ارشد یکی از نهادهای شبه نظامی محله بوده است. امروز او آزاد است و تقریباً همه کسانی که در آن بنگاه او رادیده و شناخته‌اند از دسترس خارج‌اند

[۷'۸۱۴](#)

[۱۱:۴۵ - ۵ آذر ۱۳۹۸](#)

—